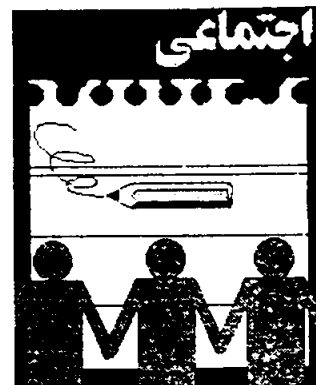


حاشیه‌نشینی، پدیده نگران‌کننده قرن



ما از ده تهرانی پرسیدیم: راجع به اسلامشهر، چه می‌دانید؟ و پاسخ‌هایی که شنیدیم از این قبیل بود: دقیقاً نمی‌دانم... فکر می‌کنم یک محله در اطراف تهران است که چند هزار نفری در آن زندگی می‌کنند. یا فکر می‌کنم یکی از این زورآبادهایی است که مهاجرین شهرستانی در اراضی اطراف تهران ایجاد کرده‌اند، و یا شهرکی است که نمی‌دانم بنیاد مسکن یا وزارت مسکن در نزدیکی تهران ساخته است، و یا...
همه پاسخ‌هایی که شنیدیم نشان از بی‌اطلاعی و بی‌توجهی کامل از پدیده نگران‌کننده‌ی بی‌نام حاشیه‌نشینی، داشت.

توسعه این ناهنجاری راه حل ارائه دهد. این گزارش می‌کوشد پدیده رو به رشد حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ ایران و جهان را مورد بررسی قرار دهد و به ریشه‌یابی این مُعضل نگران‌کننده قرن بیست و یکم (قرنی که ۶ سال دیگر آغاز خواهد شد) بپردازد.

پدیده حاشیه‌نشینی مختص ایران و تهران نیست. بسیاری از کشورها، مخصوصاً کشورهای جهان سوم و در حال توسعه از این مشکل در عذابند و رهبران خود را نگران کرده‌اند. حاشیه‌نشینی خود ناشی از مشکلی عمده‌تر



در مناطق حاشیه‌نشین کودکان و نوجوانان از حداقل وسایل بازی و تفریحات سالم محروم هستند. عکس بچه‌ها را در یکی از کوچه‌های اسلامشهر نشان می‌دهد.

کاری از گروه گزارش‌های اجتماعی مجله گزارش با همکاری غفار رضوانی گیل‌کلاهی

و نگران‌کننده‌تر به نام «رشد جمعیت شهری» است. برای درک این مشکل لازم است نگاهی به چند آمار مربوط به رشد جمعیت شهرنشین جهان بیندازیم:
● از سال ۱۹۵۰ تا کنون (یعنی طی ۴۰ و پنج سال) جمعیت شهرنشین جهان پنج برابر شده است.
● تا پایان قرن جاری (۶ سال دیگر) نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد.
● تا پایان همین قرن ۴۰ درصد از کل جمعیت آسیا و هفتاد و پنج درصد از جمعیت آمریکای لاتین شهرنشین خواهند بود.

کسی نمی‌داند همین شهرک به اصطلاح حاشیه‌ی جمعیتی حول و حوش ششصد هزار نفر را در خود جای داده که در سلسله مراتب تشکیلات اداری و جغرافیایی کشور وضعیتی نامشخصی دارند. و پرواضح است از جامعه‌ی بی‌که از وجود چنین معضلی بی‌اطلاع است نمی‌توان انتظار داشت در مورد شهرک‌هایی که چون قارچ در اطراف تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور می‌روید اطلاعاتی داشته باشد و بتواند از نابسامانی‌هایی که این محیط‌های مسکونی حاشیه‌ی برای کل جامعه به وجود می‌آورد احساس نگرانی کند و برای جلوگیری از

در جنوب شهر تهران، شهرکی وجود دارد که بسیاری از ساکنان اصلی پایتخت فقط نامی از آن شنیده‌اند: اسلامشهر....

اسلامشهر، شهری در کنار پایتخت ایران!

ظرفیت» می‌شود و همین جمعیت مازاد است که برای یافتن نان و مسکن به جانب شهرهای بزرگ حرکت می‌کند. حرکتی که از اوائل قرن اخیر آغاز شده، مداوماً شتاب گرفته و باز هم شتاب خواهد گرفت. (لازم به ذکر است که بخش عمده‌ی از افزایش جمعیت شهرهای بزرگ ناشی از رشد جمعیت بومی خود این شهرهاست)

آغاز حاشیه‌نشینی

شهرهای بزرگ از حیث افزایش جمعیت اضافی امکانات محدودی دارند.

چند شهر دیگر بود. بعد از انقلاب، به دلیل اشتغال دولت مرکزی به امور فوری‌تر، و امکان تصرف اراضی متعلق به فراریان رژیم گذشته، و نیز اراضی بلامعارض، روند مهاجرت به تهران و شهرهای بزرگ دیگر تشدید شد. در حال حاضر گرچه دیگر از امکان دست‌یافتن به زمین ارزان، رایگان و یا بلامعارض خبری نیست، اما جاذبه‌های پیش‌گفته شده، هنوز عاملی است برای هجوم مردم شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ.

بهترین مثالی که از نقش بلایای طبیعی در جا به جایی جمعیت و استقرار آن در شهرها

● در سال ۱۹۸۵ حدود دویستم (۴۱ درصد) از جمعیت جهان در مناطق شهری سکونت داشتند. این نسبت تا سال ۲۰۰۰ به ۴۷ درصد، تا سال ۲۰۰۷ به ۵۰ درصد و تا سال ۲۰۲۵ به ۶۱ درصد خواهد رسید.

علل اصلی رشد شهرنشینی

افزایش جمعیت شهرها، و هجوم ساکنان مناطق دورافتاده و کم‌جمعیت به شهرهای بزرگ دلایل مختلف و متفاوتی دارد:

گاهی وجود جاذبه‌های زندگی مدرن و امکان اشتغال می‌تواند عامل جذب جمعیت به سوی شهرهای بزرگ باشد و زمانی بلایای



نمایی از یکی از کوچه‌های شهرک حاشیه‌ای اسلامشهر.

مردم اسلام شهر غالباً از

اولیه‌ترین خدمات شهری

محروم هستند

پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی-پژوهشی

مسکن، کار، بهداشت و سایر امکانات لازم زندگی شهری در حدی نیست که بتواند جوابگوی نیازهای سیل مهاجرین باشد و در همین کمبودهاست که پدیده حاشیه‌نشینی ریشه می‌دواند.

مهاجران به اراضی وصل به شهر، و سپس به اراضی حاشیه‌ای آن رو می‌آورند و با خشت و گل، یا حتی حلبی و مقوا و پلاستیک سرپناهی برای خود می‌سازند. زمانی نه چندان دراز می‌گذرد و مقامات یک شهر بزرگ متوجه می‌شوند که در حاشیه شهر، یک اجتماع انسانی

می‌توان ذکر کرد مربوط به آفریقا است؛ خشکسالی‌های متوالی دهه هشتاد در این قاره موجب شد ده میلیون نفر از جمعیت روستایی آفریقا به شهر کوچ کنند و برای همیشه در آن ساکن شوند.

از این عوامل گذشته، نفس افزایش جمعیت جهان خود عامل تعیین‌کننده‌ی در رشد شهرنشینی بوده و خواهد بود. میزان بالای زاد و ولد، و کاهش مرگ و میر، در مناطقی که امکانات تولید محدودی دارند (چه کشاورزی و چه صنعتی) باعث ایجاد «جمعیت مازاد بر

طبیعی نظیر زلزله، سیل و خشکسالی موجب سرازیر شدن سیل جمعیت به سوی شهرهای بزرگ می‌شود. عوامل سیاسی و تغییرات ناشی از آن نیز یکی دیگر از عللی است که می‌تواند موجب رشد سریع جمعیت شهرنشین گردد. برای هر یک از علل فوق نمونه‌ی ذکر می‌کنیم:

تا قبل از انقلاب ایران وجود جاذبه‌های زندگی به اصطلاح مدرن و امکان دست‌یافتن به شغلی (ولو کاذب) عمده‌ترین دلیل مهاجرت مردم شهرهای کوچک و روستاها به تهران و

اجتماعی

در ریودوژانیرو سه میلیون نفر در حاشیه زندگی می‌کنند

که صدها هزار نفر را در خود جای داده است! زمانی نه چندان دور جمعیت خود تهران حول و حوش یک میلیون نفر بود و حال فقط جمعیت ساکن در یکی از شهرک‌هایش بالاتر از نیم‌میلیون نفر است و تا چشم بر هم بزنی جمعیت همین محدوده جغرافیایی سر به یک میلیون نفر خواهد زد. و آیا این وضع نگران‌کننده نیست؟

منطقه‌یی که اینک ما به نام اسلام‌شهر می‌شناسیم قبلاً به منطقه قاسم‌شاهی معروف بوده، قبل از انقلاب به نام شادشهر خوانده می‌شد و بعد از انقلاب به اسلام‌شهر تغییر نام داد.

این منطقه یکصد و هفتاد و یک کیلومتر مربع وسعت دارد، در بیست کیلومتری جنوب تهران، در مسیر اتوبان در دست احداث تهران - ساوه قرار دارد و از شمال با جنوب بخش مرکزی (از بخش‌های تابعه تهران)، از جنوب با اتوبان قم، از غرب با مرز شرقی شهرستان کرج و از شرق با بخش کهریزک مجاور است.

از کل جمعیت این شهرک یکصد و بیست و پنج هزار نفرشان در بیست و یک روستای اطراف آن زندگی می‌کنند. حتی این عده را امروز نمی‌توان روستانشین و کشاورز دانست، زیرا اشتغال عمده ساکنان همین روستاها هم در اموری غیر از کشاورزی و دامداری است. (۵ روستا از این ۲۱ روستا به هشتاد هزار جمعیت نیز اخیراً به عنوان شهرک شناخته شده‌اند).

شهرک بی هویت!

اسلام‌شهر به عنوان «شهرک» شناخته شده و همین عنوان اجازه می‌دهد که گمان کنیم این شهرک با جمعیتی چنین انبوه از لحاظ تقسیمات کشوری دارای وضعیت مشخصی است. اما چنین نیست و این شهرک یکی از بخش‌های شهرستان ری به شمار می‌رود که شهرداری آن زیر نظر استانداری تهران اداره می‌شود. آموزش و پرورش این شهرک مستقل است، اما ادارات دارایی، پست و بنیاد آن از لحاظ اداری تابع ادارات شهری هستند!

وضعیت خود اسلام‌شهر و محلات و روستاهای حول و حوش آن هم مانند وضع آن از لحاظ اداری، در هم و برهم، مغشوش و سرگیجه‌آور است. آدمی گیج می‌ماند که آبادی‌هایی نظیر میان‌آباد و نظام‌آباد را روستا بخواند و یا محلات و وصل به شهرک اصلی؟

بیماری‌های خطرناکی نظیر سل و سایر امراض تنفسی از مهم‌ترین تأثیراتی است که افزایش جمعیت شهرها و بروز پدیده حاشیه‌نشینی در آن‌ها به دنبال دارد.

نگاهی به ایران

رشد جمعیت بومی شهرها، مهاجرت از ده به شهرهای کوچک و از آن جا به شهرهای بزرگ، عدم توجه به ظرفیت‌های تولید ثروت و کار در مناطق دورافتاده و دهها مورد دیگر عواملی بوده (و هستند) که سبب رشد غول‌آسای جمعیت شهرهای بزرگ کشور، و

جدید تشکیل شده است. اجتماعی که گاه هزاران نفر، و گاه صدها هزار نفر را در بر می‌گیرد.

نمونه این اجتماعات را می‌توان در همین اسلام‌شهر (واقع در جنوب تهران) مشاهده کرد. در خارج، شهرهای ریودوژانیرو قاهره و بمبئی مثال زدنی هستند. در شهر اولی سه میلیون نفر در زاغه‌هایی که بر دامنه تپه‌ها و در شرایط خطرناکی ساخته شده، زندگی می‌کنند. در شهر دومی (قاهره) هزاران نفر در قبرستان‌های شهر روزگار می‌گذرانند و بالاخره در بمبئی فقط صدهزار بی خانمان در خود شهر، و در کنار خیابان‌های آن، ایام عمر را سپری می‌کنند.

یک تعریف از حاشیه‌نشینی

چارلز آبرامز که یکی از جامعه‌شناسان معروف معاصر است ویژگی ساکنان مناطق حاشیه شهری را تهیدستی، اجاره‌نشینی، و گاه مالکیت آن‌ها بر زمین‌هایی می‌داند که به طور غیرقانونی به تصرف درآورده‌اند. هم او می‌نویسد: «این مناطق تجمع از نظر مکان تابع الگوی خاصی نیستند، تنها اگر خالی از سکنه بوده و مالکیت مشخصی نداشته باشند به زودی به محل سکونت جمعیتی حاشیه‌نشین تبدیل می‌شوند. مناطق حاشیه‌نشین به لحاظ مکانی، در بدترین نقاط شهری جای گرفته‌اند، مسکن به لحاظ فیزیکی فاقد امکانات اولیه زندگی از قبیل حمام، توالت بهداشتی، نور و تهویه بوده و مصالح ساختمانی به کاررفته در آن‌ها از استانداردهای پائینی برخوردار می‌باشد که ممکن است از موادی چون حلب، حصیر، پلاستیک و سایر مصالح فرسوده باشد.

این تعریف در مورد تعدادی از ساکنان اسلام‌شهر کاملاً مصداق دارد، زیرا اینان تهران‌نشین‌هایی بوده‌اند که به علت گرانی قیمت خانه و اجاره‌بهای سنگین ناگزیر به نقل مکان به اماکنی نظیر اسلام‌شهر شده‌اند. در بطن این واقعیت، واقعیت دیگری نهفته که از عدم کنترل زاد و ولد در خانواده‌هایی که فرهنگ بالایی ندارند سرچشمه می‌گیرد. پدر و مادری که صاحب ۶-۸ یا حتی ۱۰ فرزند می‌شوند چگونه می‌توانند آن‌ها را چنان به ثمر برسانند که وقتی مردی یا زنی شدند، توان مالی، و یا مهارت فنی و علمی کافی را برای جذب در بازار کار و کسب درآمدی که آن‌ها را قادر به تحمل هزینه‌های لازم برای زندگی در شهری چون تهران کند، داشته باشند؟

مخصوصاً تهران شده‌اند.

گر چه شهرهایی مثل اصفهان، تبریز، مشهد، اهواز و شیراز نیز با رشد سرسام‌آور جمعیت و پدیده حاشیه‌نشینی مواجه هستند، اما تهران از این لحاظ وضعیتی استثنائی داشته و دارد.

زمانی ایجاد حلی‌آبادی‌هایی در شرق و جنوب تهران موجب نگرانی مقامات مسؤول این شهر و بروز مشکلاتی در اداره امور شهر می‌شد، اما امروز ایجاد شهرک‌هایی که قمارچگونه در جنوب، غرب و شرق شهر می‌رویند، مایه نگرانی جدی است.

شاخص‌ترین این شهرک‌ها اسلام‌شهر است

این جمعیت‌های مهاجر و حاشیه‌نشین نه فقط خود با مشکلات و مصائب گوناگونی دست به گریبان هستند، بلکه برای مردم و مقامات شهرهای بزرگ نیز مشکلاتی به وجود می‌آورند.

سکونت در مسکن نامناسب و خطرناک، محرومیت از خدمات بهداشتی و آموزشی، فقر و فسادهای ناشی از آن و بالاخره نداشتن آینده‌یی مشخص و امیدوارکننده از اهم مشکلاتی است که جمعیت‌های حاشیه‌نشین و یا پیاده‌رو نشین دنیا با آن‌ها مواجه هستند.

افزایش آلودگی هوا، ازدحام، جمعیتی بیش از ظرفیت محیط، فشار بر ظرفیت منابع طبیعی منطقه و سرانجام افزودن بر امکان شیوع

شهرک‌های حاشیه‌ی غالباً بی هویت هستند

یک شهرک جنبی دیگر که صالح آباد نامیده می‌شود، خود دارای شهرداری مستقلی است! همین وضعیت ارائه خدمات شهری در اسلام‌شهر به تنهایی می‌تواند نمایانگر نابسامانی‌هایی باشد که از ایجاد شهرک‌های حاشیه‌یی و رشد سرطانی آن‌ها دانگبر ساکنان خود آن‌ها و مسؤولین اداره‌کننده یک شهر و یا کشور می‌شود.

اگر صالح آباد دارای شهرداری مستقلی است، این شاید ناشی از آن باشد که زمانی که اسلام‌شهر به وسعت کنونی نرسیده بود، مقامات و سازمان‌های مسؤول هنوز آن قدر امکانات

موجب قانون یک درصد از فروش آن‌ها باید به شهرداری اسلام‌شهر پرداخت شود (که حتماً شده) با این وجود چرا این شهرداری به محلات جنبی و آبادی‌های اطراف سرویس نمی‌دهد؟

پاسخ این بود: «شهرداری اسلام‌شهر دارای مناطق چهارگانه است که دادن خدمات شهری به ساکنان مناطق واقع در این محدوده‌های چهارگانه را بر عهده دارند. دو شهرک جنبی انبیا و الله‌اکبر خواستار شده‌اند دست‌کم شهرداری زیاله‌هایشان را جمع‌آوری کنند، اما مقامات شهرداری گفته‌اند اگر اهالی سه دستگاه

همانطور که اشاره شد اسلام‌شهر دارای شهرداری است اما تعدادی از محلات و روستاهای حاشیه شهرک اصلی، یا نزدیک به آن، از خدمات شهرداری استفاده نمی‌کنند. به عنوان نمونه خانمی از اهالی نظام‌آباد می‌گوید: شهرداری زیاله‌های منطقه ما را جمع‌آوری نمی‌کند، و ما وقتی با انبوه زیاله‌ها مواجه می‌شویم ناگزیریم خانواده‌یی صد تومان بپردازیم تا از شر آشغال و زیاله راحت شویم. در همین جا، مردی از اهالی منطقه می‌گوید: گاهی، زیاله‌ها آنقدر می‌ماند و انبوه می‌شود که مردم ناچار می‌شوند شبانه آن‌ها را با هر وسیله‌یی که در دسترسشان قرار می‌گیرد به بیابان‌های اطراف ببرند... می‌دانیم همین زیاله‌ها بعداً، و مخصوصاً در تابستان‌ها محل زاد و ولد و تجمع مگس، پشه و انواع میکروب‌ها می‌شود، اما چه کنیم!؟

هادی قربانیان یکی از ساکنان همین نظام‌آباد می‌گوید: ما نه فقط از خدماتی که معمولاً شهرداری‌های می‌دهند محروم هستیم بلکه هیچ نوع امکانات بهداشتی و آموزشی هم نداریم. این جا هیچ کاری انجام نمی‌شود، مگر آن‌که خود اهالی اقدامی بکنند. به عنوان نمونه، برای هدایت فاضلاب‌ها وقتی از همه جا مایوس شدیم خودمان شروع به اقدام کردیم: از هر خانوار مبلغی گرفتیم و دادیم به یک پیمانکار بخش خصوصی تا برایمان جدول‌سازی کند. البته همیشه چنین خودیاری‌هایی عملی نیست، زیرا مردم این منطقه دارای درآمد پائینی هستند و نمی‌توانند چنین جوهی را بپردازند.

در میان‌آباد هم که بیست هزار نفر جمعیت دارد وضع از همین قرار است...

وقتی از یکی از مقامات بخش‌داری پرسیدیم چرا منطقه‌یی که بیست هزار سکنه دارد نباید از خدمات شهری برخوردار باشد؟ در جواب گفت:

چند بار پیشنهاد دادیم در میان‌آباد شهرداری تشکیل شود اما مقامات بالا صدور مجوز تأسیس شهرداری را منوط به تأمین ۴۵ میلیون تومان اعتبار، احداث ساختمانی برای استقرار شهرداری و تهیه چند دستگاه اتومبیل از طریق خودیاری کردند که تأمین آن مبلغ و این امکانات خارج از توان مالی سکنه منطقه است.

سؤال دیگر این بود که در حول و حوش اسلام‌شهر (و اصولاً جاده ساوه) تعداد زیادی کارخانه و واحد صنعتی مستقر است که به



روند حاشیه‌نشینی روستاها را می‌بلعد... در چنین جاهایی غالباً نه هویت انسان مشخص است و نه هویت محیط. گوسفند مظهر زندگی روستایی و کشاورزی است و اتومبیل مظهر شهرنشینی. عکس نشان‌دهنده کدامیک از این دو مظهر است!؟

داشتند که بتوانند بار مالی تأسیس شهرداری برای یک منطقه مسکونی جدید را تحمل کنند، اما آیا اکنون تهیه امکانات لازم برای تأسیس چند شهرداری جدید در مناطقی چون میان‌آباد و نظام‌آباد مقدور هست؟

از طرفی کمبودهای محسوس در زمینه خدمات شهری جزء کوچکی از عوارض ایجاد شهرک‌های حاشیه‌یی در کنار شهرهای بزرگی چون تهران است.

برای آشنایی با تعداد دیگری از این عارضه‌ها از زوایای دیگری به مشکلات ساکنان

نیسان زیاله کش خریداری کنند و در اختیار شهرداری قرار دهند، آن وقت می‌توانند متوقع جمع‌آوری زیاله‌هایشان باشند!

نگاه از زاویه‌ی دیگر

جمع‌آوری زیاله از شهرک‌های انبیا و الله‌اکبر منوط به آن است که اهالی سه دستگاه نیسان زیاله کش بخرند و به شهرداری اهدا کنند، تأسیس شهرداری در میان‌آباد مشروط به پرداخت ۴۵ میلیون تومان و تهیه ساختمان و چند وسیله نقلیه است، اما جالب است بدانیم که

اجتماعی

حاشیه‌نشینی، بلای سلامت انسان و محیط زیست

این منطقه نگاه می‌کنیم:

● بسیاری از ساکنان این منطقه مجبورند برای کار به تهران، و یا مناطق صنعتی و کشاورزی اطراف بروند. صبح رفتن و شب آمدن به واقع برای این افراد عذاب‌آلود است. وسیله نقلیه کافی وجود ندارد، و وقتی در ساعات اولیه صبح، یا غروب اتوبوس و مینی‌بوس و یا یک اتوبوس سوازی به ایستگاههای مبدأ و مقصد، و یا میان‌راه، می‌رسد صدها مسافر منتظر و خسته به سوی آن هجوم می‌برند. گاه دو یا چند نفر برای زودتر سوار شدن باهم مجادله می‌کنند و دست به گریبان می‌شوند.

آمار واقعی کدام است؟

آخرین آمار مربوط به سرشماری رسمی، جمعیت شهرک اسلام‌شهر را ۳۸۵ هزار نفر ذکر کرده است و البته در این آمار، جمعیت روستاهایی که در اطراف اسلام‌شهر واقع بوده‌اند و اینک در واقع وصل به این شهرک هستند ملحوظ نشده است.

یک مقام اداری اسلام‌شهر می‌گوید: طبق آماري که ما از میزان صدور دفترچه‌های بسیج در اختیار داریم، می‌توانیم ادعا کنیم تا زمانی که صدور این دفترچه‌ها رواج داشت، جمعیت اسلام‌شهر به ۵۲۰ هزار نفر رسیده بود، اگر رشد جمعیت از آن زمان به بعد را همراه با عده مهاجرین تازه بر رقم قبلی بیفزاییم بی‌شک جمعیت شهرک اکنون از ۶۰۰ هزار نفر هم گذشته است.

اما در این میان عده‌یی از ساکنان اسلام‌شهر معتقدند جمعیت شهرکشان اکنون فراتر از ۸۰۰ هزار نفر است.

بدون تردید وضع هیچ یک از ساکنان شهرک اسلام‌شهر قابل قیاس با زندگی این برزیلی‌ها، و یا پیاده‌رو نشینان بمبئی و زاغه‌نشینان دیگر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه و یا عقب‌مانده نیست. اما این تفاوت سطح زندگی نباید ما را از توجه عاجل و قاطع به پدیده رو به رشدی به نام حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ کشورمان باز دارد.

این توجه باید معطوف به دو جنبه باشد. اول این که هرچه سریع‌تر نسبت به سامان‌دهی زندگی و امور ساکنان شهرک‌هایی حاشیه‌یی که به هر دلیل در جنب شهرهای بزرگ کشورمان ایجاد شده اقدام کنیم.

دوم، و مهم‌تر، این که چاره‌یی بیندیشیم تا جلوی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به قطب‌های بزرگ جمعیتی هر چه سریع‌تر گرفته شود. با ایجاد کار و فراهم آوردن حداقل امکانات رفاهی در مناطق دور از تمرکزهای صنعتی و جمعیتی، و با توزیع عادلانه و عاقلانه امکانات کشور در مناطق دورافتاده و محروم، و انجام پاره‌یی اقدامات دیگر، رسیدن به این هدف امکان‌پذیر است.



مناطق می‌گوید: در مدرسه‌یی که من در آن تدریس می‌کنم چهل درصد دانش‌آموزان را فرزندان مهاجران افغانی تشکیل می‌دهند که با فرهنگ ما بیگانه هستند و زیاد در بند رعایت بهداشت نیستند. بدین جهت امراضی چون کجلی در بین بچه‌ها کم و بیش رایج است. همین آموزگار می‌گوید: اصولاً وضع بهداشت در این جا مطلوب نیست. عده‌یی از مردم از آب چاه برای شرب و سایر مصارف استفاده می‌کنند و به همین جهت هم من و سایر معلمینی که از سایر مناطق برای تدریس در مدارس این منطقه می‌آئیم، همه روز آب مصرفی خودمان را از شهر همراه می‌آوریم.

● وسائل و امکانات درمانی و بهداشتی هم در حومه اسلام‌شهر ناکافی است. پاره‌یی از محلات نه پزشکی دارند، نه درمانگاهی و نه حتی داروخانه‌یی در نزدیکی محل سکونت خود... در مواقع اورژانس، ساکنان نیازمند مناطقی نظیر میان‌آباد، و نظام‌آباد باید کیلومترها را طی کنند تا به اولین مرکز درمانی برسند.

لزوم توجه فوری

در تپه‌های اطراف ریودوژائیرو سه میلیون حاشیه‌نشین زندگی نکست‌باری را در آلونک‌هایی لرزان و بی‌در و پیکر می‌گذرانند.

● تراکم جمعیت در محلات اصلی و جنبی این منطقه به راستی حیرت‌آور است... گزارشگر محله‌که برای تهیه اطلاعات و آماری به این منطقه اعزام شده بود می‌نویسد: به اولین کوچه این آبادی که رسیدم، وجود تعداد زیادی بچه که به دنبال یک توپ پلاستیکی می‌دویدند توجه‌م را جلب کرد و گمان کردم کودکان چند محله برای یک مسابقه گل کوچک، به این محله آمده‌اند، اما وقتی به کوچه‌های دیگر رفتم و همین تعداد بچه را هم در آن کوچه‌ها دیدم، دانستم وجود این همه کودک و نوجوان، و اصولاً تراکم جمعیت، جزئی از مشخصه‌های این‌گونه مناطق است. مشاهده خانه‌های ۴۵-۳۵ و حتی ۲۰ متری متعددی که در دو سوی کوچه‌های این آبادی و سایر آبادی‌ها قرار دارد، و در بیشتر آن‌ها هم دوسه و گاه چهار خانوار پر جمعیت سکونت دارند، به من فهماند معنی مهاجرت به شهرها و حاشیه‌نشینی یعنی چه؟

● در این شهرک حاشیه‌یی تهران مدرسه هست و کودکان هم به مدرسه می‌روند، اما به دلیل درآمد کم خانوارها و عدم توجه پدر و مادرها به وضعیت تحصیلی فرزندان، بازده تحصیلی مطلوب نیست. حرف‌های کوتاه یکی از مسؤولین مدرسه راهنمایی عتروت وضع را از این لحاظ مشخص می‌کند. او می‌گفت: از نظر